خبر

تهیه‌کننده «خانه ما»: بیشتر به زندگی عادی مردم می‌پردازیم

● **گروه هنر:** نشست نقد و بررسی مجموعه مسابقه «خانه ما» صبح روز سه‌شنبه، شش شهریور، با حضور حسین افشار، تهیه‌کننده، احسان عمادی و امین کفاش‌زاده، کارگردان، اسلامی طراح و نمایندگان رسانه‌های جمعی در خانه مستند انقلاب اسلامی برگزار شد.

مستند مسابقه «خانه ما» که مدتی است در کنداکتور برنامه‌های سیما قرار دارد، در زمره برنامه‌های «ریالتی‌شو» قرار می‌گیرد که مخاطبان خاص خود را جذب کرده است و مبنای آن بر اساس ابراز علاقه خانواده‌ها بعد از ثبت‌نام برای شرکت در این برنامه صورت می‌گیرد و در هر مسابقه به سبک زندگی مردم عادی می‌پردازد و در این مسیر بر اساس هر تصمیمی که مقابل دوربین گرفته می‌شود، خانواده‌ها در این مسابقه با چالش‌هایی روبه‌رو می‌شوند و در این میان خانواده‌ای از دیگران پیشی خواهد گرفت که ضریب خلاقیت بالاتری را در عمل اتخاذ کند.

در این نشست در ابتدا افشار توضیحاتی درباره شیوه ساخت مستند مسابقه «خانه ما» ارائه داد و گفت: «فصل ششم این مجموعه تولید شده که قرار است در زمستان پخش شود و برای فصل هفت نیز فراخوان داده‌ایم. به نظر من امروز به‌واسطه اتفاقات و تصمیمات مسئولان باید روی خانواده مسئولان نیز تمرکز داشته باشیم و دراین‌باره مستند بسازیم».

او ادامه داد: «امروز خانواده تأثیرگذاری بسیاری دارد و نمی‌توان آن را نادیده گرفت».

در ادامه، افشار درباره ورود خانواده مسئولان به این برنامه توضیح داد: «پیشنهاد ما این است که به زندگی و خانواده مسئولان ورود پیدا کنیم که البته می‌دانم استقبالی نخواهد شد و درواقع شوخی کردم! چون آنها برای ما تصمیم می‌گیرند و نه ما برای آنها. متأسفانه این شامل حال همه جناح‌ها می‌شود و اصولگراها یا اصلاح‌طلب‌ها

و حتی جناح‌های دیگر این اجازه را نمی‌دهند».

افشار در ادامه توضیح داد: «معتقدم بهتر است به‌جای ساخت فیلم‌های تبلیغاتی برای کاندیداهای ریاست‌جمهوری، به سراغ سبک زندگی آنها برویم. مسئولی که خانواده‌اش را درست اداره نمی‌کند نمی‌تواند مملکت خود را هم اداره کند. این روزها هشتگ «فرزندت کجاست» در فضاهای مجازی مطرح شده، درحالی‌که به نظرم بهتر است بپرسیم «فرزندت کیست؟» و چه می‌کند».

رئیس خانه مستند در برابر این سؤال «شرق» که «آیا قصد ورود به زندگی روحانیون را دارید»، پاسخ داد: «واقعیت این است که ما به زندگی مردم عادی می‌پردازیم. تاکنون روحانیون هم به‌جز یک مورد ثبت‌نام نکرده‌اند، اما از آنجا که بیشتر شبکه‌های سیما درباره مسائل مختلف روحانیون ورود پیدا کرده‌اند، ما بیشتر به زندگی مردم عادی می‌پردازیم».

آیین پایانی بیستمین جشن سینمای ایران برگزار می‌شود

● **گروه هنر:** آیین پایانی بیستمین جشن سینمای ایران به منظور اهدای تندیس‌های خانه سینما به برگزیدگان این رویداد بزرگ سینمایی، عصر روز شنبه، دهم شهریور، در تالار وحدت برگزار می‌شود.در این آیین برندگان رشته‌های مختلف که توسط داوران انجمن عالی هنرها و فنون سینمایی برگزیده شده‌اند معرفی و با اهدای لوح تقدیر و تندیس‌های جشن سینما مورد تقدیر قرار خواهند گرفت.

بیستمین جشن سینمای ایران با ریاست استاد علی نصیریان برگزار می‌شود.

گفت‌وگوی «شرق» با سیدمجتبی حسینی
معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

در محدوده مربع تهدید

فرانک آرتا

یکی از گسترده‌ترین معاونت‌های تحت نظر وزارت ارشاد، معاونت هنری است که به دلیل تنوع مأموریت‌های خود مخاطبان فراگیری دارد و به دلیل مطالبات طیف متنوع هنرمندان، مدیران این مجموعه باید پاسخ‌گوی هر یک از آنها باشند. البته موضوع زمانی سخت‌تر می‌شود که مطالبات بحق جا مانده از گذشته به دلیل ناکارآمدی برخی از مدیران پیشین همچنان باقی مانده و برای مدیران این مجموعه همچون میراثی سرگردان به ارث رسیده باشند. گفت‌وگوی پیش رو ، نخستین رودررویی ما با سید مجتبی حسینی است که به گواه او برای تحقق خواسته‌ها،ضمن تلاش مضاعف، باید از انگیزه‌ها و ظرفیت‌های نسل جوان بهره برد. هر چند که برای تحقق این اهداف به نظر می‌رسد موانع زیادی وجود دارد که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت!

از ۲۶ آذرماه ۱۳۹۶ که سکان معاونت هنری را به دست گرفته‌اید تاکنون، تحلیل کلی‌ای که از عملکرد شما می‌توانم ارائه بدهم این است که مصداق این بیت «رهرو آن نیست که گه تند و گهی خسته رود، رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود» هستید! چرا به آهستگی پیش می‌روید؟

حوزه فرهنگ به تعبیری حوزه آهستگی و پیوستگی است. تقریبا می‌توان گفت در هیچ دوره تاریخی، فرهنگ و هنر از تندروی‌ها و کندروی‌ها نه‌تنها سودی نبرده، بلکه همواره زیان دیده است. فکر می‌کنم با توجه به سال‌های پشت‌سر، جغرافیای هنر ایران را به درستی نشناخته‌ایم و نشناختن این جغرافیا موجب شد گاهی هیجان‌زده درباره آن تصمیم بگیریم؛ چه ایجابی و چه سلبی! پس در بدو امر باید این جغرافیا را به‌درستی شناخت و سعی کرد تصویر واقعی از این حوزه به دست آورد. آن‌وقت موقعیت هنر را آسیب‌شناسی و در نهایت به‌دور از ماجراجویی و مبتنی‌بر نگاه واقع‌بینانه برای فرهنگ و هنر به‌مثابه امری مبارک و اثرگذار در جامعه برنامه‌ریزی کرد. پس برای رسیدن به این برنامه، باید مقدماتی را فراهم کرد. این مقدمات از گردآوری و به‌دست‌آوردن «داده‌ها» شروع می‌شود. با تحلیل داده‌ها، وضع موجود را می‌توان شناخت و متناسب با وضع موجود برنامه‌ریزی کرد. طبیعی است برای مبادرت به این امر نیاز به وقت داشتیم.

حتما واقف هستید قبل از استقرار دولت «تدبیر و امید»، مجموعه وزارت ارشاد در دوره هشت‌ساله ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد وارد فازی شد که حتی بعد از گذشت شش سال از آن دوره همچنان پس‌لرزه‌های آن را شاهدیم! هرچند برخی از منتقدان جنبن تحلیلی را رد می‌کنند و معتقدند دیگر حالا دولت روحانی باید پاسخ‌گو باشد. اما با تأیید ضمنی این نکته، باید گفت که در عرصه فرهنگ و هنر موضوع عمیق‌تر از اینهاست و قابل مقایسه با حوزه‌های دیگر نیست؛ به‌طورمثال در همین حوزه، مدیران زیادی از گذشته وجود دارند که به‌راحتی نمی‌توان آنها را تغییر داد. همچنین کارمندانی که از آن دوره وارد وزارتخانه شدندو حتی گاهی شاهد هستیم که عملکرد یک آبدارچی یا مسئول دبیرخانه از تأثیرات یک مدیر هم بیشتر است!! از سوی دیگر رویکردهای نظارتی مانع ورود برخی از مدیران به این مجموعه می‌شود. با این شرایط چگونه توانستید مدیران خود را انتخاب کنید؟

فارغ از اینکه به این موضوع فکر کنم که محدودیتی به‌لحاظ انتخاب مدیر دارم یا نه، به‌گونه‌ای دیگر رفتار کردم؛ یعنی در ابتدا اهتمام من بر این بود که آیا می‌توانم با مدیران موجود کار کنم یا نه.

طبیعتا نتوانستید کار کنید که تغییرشان دادید!

صحبت من قبل از تغییرات است. با خود گفتم که اگر قرار به جابه‌جایی این عزیزان باشد، فهرستی از نام افراد مؤثری را که می‌شناسم تهیه تا بررسی کنم چه کسانی می‌توانند چه مسئولیتی را برعهده بگیرند. البته از دوستان دیگر هم درخواست کردم اگر کسانی از قلم افتاده‌اند، به این فهرست اضافه کنند. در نهایت به تعدادی گزینه رسیدم.

یعنی همچنان محدودیت‌ها را در نظر نگرفتید؟

بله، اما بدون درنظرگرفتن محدودیت‌ها، این فهرست همچنان ناهمگون بود؛ برخی‌ها ضعیف‌تر و بعضی‌ها قوی‌تر! به همین دلیل این فهرست را بر اساس شاخص‌های موردنظرمان رتبه‌بندی کردیم. کسانی را که بیش از نیمی از نمره قبولی را کسب کرده بودند انتخاب کردم و با خودم قرار گذاشتم که با آنها گفت‌وگو کنم. به عبارت دقیق‌تر سعی کردم چالش‌های پیش‌رو را مانند مسیر پرسنگلاخ مطرح کنم تا ببینیم چه راهی پیشنهاد می‌دهند تا در ادامه بر اساس پاسخ‌های دریافت‌شده در آن گفت‌وگو، بار دیگر آن فهرست را نمره‌گذاری کنم. در نهایت برای هر پست به چند گزینه رسیدم.

یعنی افراد را بر مبنای موردنظر غربال کردید؟

بله. در نهایت برای هر مسئولیت به تعداد محدودی گزینه رسیدم. در این مرحله برای انتخاب افراد به محدودیت‌های مورد اشاره شما پرداختم و این نکته را لحاظ کردم. البته خوشبختانه گزینه‌هایی که بالاترین نمرات را کسب کردند، محدودیت‌های نظارتی - امنیتی نداشتند. سپس با آقای وزیر گفت‌وگو کردیم. آقای صالحی با افرادی که مورد توافق هر دوی ما بودند جلسه گذاشتند و طی برنامه زمان‌بندی‌شده و با اعمال تشریفات مرسوم از آنها دعوت به کار کردیم.

آقای حسینی! می‌دانید که کشور با تحریم‌های اعمال‌شده از سوی ایالات متحده در وضعیت خاصی قرار دارد. هرچند بودجه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در حالت عادی در قیاس با سایر وزارتخانه‌ها کم بوده. حالا هم با وضعیت فعلی ناچار هستید با به‌کارگیری «اقتصاد مقاومتی» کار خود را ادامه دهید. با این نگاه که همیشه مدیران دولتی از حقوق و مزایای خوبی برخوردار بوده‌اند و جالب است بدانید که در گفت‌وگویی با برخی از مدیران قبلی و پیشین با این پاسخ که «دیگردر دولت کارکردن نمی‌صرفد!» مواجه شدم! حالا مدیران فعلی با چه دلایلی پذیرفتند که قبول مسئولیت کنند؟

مدیران ما در شرایط فعلی حقوق کمی به نسبت مسئولیتی که بر عهده دارند، می‌گیرند. ضمن اینکه حتی ما در قیاس با دوره‌های قبل هم امکاناتمان کاهش یافته است. به‌هرحال، آنها قصد خدمت به کشور و فرهنگ و هنر این سرزمین را دارند. ضمن اینکه الان حوزه فرهنگ و هنر ایران به شدت خانواده بزرگی شده و اعتبارات فعلی، کفاف این خانواده بزرگ را نمی‌دهد! نکته مهم دیگر این است که متأسفانه ما در حوزه فرهنگ و هنر، مدیران جوان تربیت نکردیم و این روزها به شدت کمبود نیروی کارآمد انسانی و افراد متخصص و درعین‌حال اجرائی دیده می‌شود.

> **علاوه بر کمبود نیروی انسانی کارآمد، تعدد چالش‌ها، کمبود امکانات و مطالبه‌گری زیاد «مربع تهدید» را تشکیل داده که الان داریم با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنیم! در چنین شرایطی به نظرم تنها عنصری که می‌توان به آن چنگ زد، انگیزه‌های انسانی مثل خدمت به کشور عزیزمان و به‌کارگیری خلاقیت نیروهای جوان است**

این یکی از آسیب‌های دولت هشت‌ساله مهرورز است که به آن اشاره کردم. در واقع در آن مقطع تعدادی از افراد متخصص اقدام به مهاجرت کردند. همچنین مسیر طبیعی انتقال مدیریت‌ها از گذشته به جوانان صورت نگرفت و رخوت و انشقاق به وجود آمد!

ضمن اینکه علاوه بر کمبود نیروی انسانی کارآمد، تعدد چالش‌ها، کمبود امکانات و مطالبه‌گری زیاد «مربع تهدید» را تشکیل داده که الان داریم با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنیم! در چنین شرایطی به نظرم تنها عنصری که می‌توان به آن چنگ زد، انگیزه‌های انسانی مثل خدمت به کشور عزیزمان و به‌کارگیری خلاقیت نیروهای جوان است. وقتی به جوانان متخصص و وفادار به کشورمان فضا دهیم، آنها قطعا علاقه‌مند هستند در این حوزه نقش مؤثر و ماندگاری از خود به‌جا بگذارند و فکر می‌کنم که جانانه کار خواهند کرد.

البته نیروهایی که در پست‌های زیرمجموعه معاونت هنری به کار گرفته‌اید یا در آستانه ۴۰ سالگی هستند یا ۴۰ سال را رد کرده‌اند. ممکن است این افراد در مقایسه با مدیران رده‌های بالاتر سن‌شان کمتر باشد. اما واقعیت این است که تصورم از به‌کارگیری نیروهای جوان، میانگین بین ۲۵ تا ۳۵ سال است. چرا از جوانان استفاده نکردید؟

شما به نکته درستی اشاره کردید. مثلا اگر به آمار وزرا و معاونان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال‌های گذشته نگاه کنیم، مثلا آقای دکتر لاریجانی در ۴۰، ۴۵ سالگی یا آقای دکتر مهاجرانی در همین محدوده سنی به وزارت رسیدند. منتها همان‌گونه که برای شما شرایط را تشریح کرده‌ام به این ترکیب‌بندی رسیدیم.

یکی از وعده‌های دکتر روحانی به‌کارگیری زنان در بخش‌های مختلف مدیریتی در دولت بود. هرچند وزارت زنان به سرانجام نرسید! اما چرا در سطوح مدیریتی پایین‌تر از زنان دعوت به عمل نیامد؟

شخصا هم علاقه‌مند و هم پیگیر این موضوع بودم. اما شرایط و اقتضائات این دوره به‌گونه‌ای است که این امر درحال‌حاضر محقق نشده است، باید سعی می‌کردم شرایط را بسامان کنم. هرچند در تمام عرصه‌های هنری، بانوان هنرمند شگفت‌انگیز و قابل تحسین داریم. اما درعین‌حال باید به این سؤال هم پاسخ دهیم که لزوما یک هنرمند، می‌تواند مدیر خوبی هم باشد؟ مثلا یکی از حسرت‌های من این است که چرا وقت کمتری را به کارهای هنری خودم اختصاص می‌دهم؟ اما آیا الزاما اگر هنرمند خوبی بودم، می‌توانستم مدیر مؤثری هم باشم؟ حتما می‌دانید که عرصه‌های مدیریت فرهنگی و هنری در کشور ما با دشواری‌هایی مواجه است. در این شرایط سعی کردم در برابر انتقادات تند و گاهی خلاف واقع آرام باشم. درعین‌حال با طمأنینه کار را انجام می‌دهیم تا به نتیجه برسیم.

یکی از سیاست‌هایی که در پیش گرفته‌اید بحث شفاف‌سازی است؛ مثلا این روند در سازمان سینمایی و ادارات تابعه صورت گرفته. نگاه شما به این موضوع چگونه است؟

به نظرم شفاف‌سازی شامل دو بخش است؛ یک بخش شامل قوانین، مقررات و دستورالعمل‌هاست. بخش دیگر نیز حوزه مالی و اعتبارات را دربر می‌گیرد. ما در هر دو قسمت نیازمند شفاف‌سازی هستیم. معتقدم حتی در حوزه قوانین و مقررات به شفافیت محتاج‌تریم.

چطور؟

به‌طور مثال، چنین سؤالی که آیا هنرمندشدن حق است یا امتیاز؛ اگر حق است باید یک‌سری رفتارهایی کاری کند داشته باشیم که از آن رفتارها معلوم شود حق است یا خیر. یا ما باید به‌گونه‌ای رفتار کنیم که انگار هنرمندبودن امتیاز است یا نه. مثلا تعیین حق بی‌کاری یک هنرمند را چطور می‌توان اثبات کرد؟ این نکته همچنان یک خلأ قانونی است و باید در این زمینه شفاف‌سازی کنیم؛ چون اگر شفاف نشود، نمی‌توانیم برخی از خدمات را ارائه دهیم؛ چراکه قانون این حق را به ما نداده است! پس اگر قانون خلأ دارد، باید کمک کنیم مشکلاتش مرتفع شود؛ یعنی برای آن قسمت‌هایی که شکاف قانونی وجود دارد، لایحه تهیه کنیم و به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد دهیم.

به نکته مهمی اشاره کردید. مثل استخدام بازیگران در اداره هنرهای نمایشی که هنوز تعریف منسجمی برای حضور در اداره یا ردکردن بیمه‌شان وجود ندارد. برای مرتفع‌شدن آن چه کرده‌اید؟

این جزء وظایف ماست. مثلا هنرمندان پیش‌کسوت ما که سن آنها بالاتر از ۵۰ است، حتما به خدمات بیمه‌ای نیاز دارند؛ اما قانون می‌گوید کسی که بالاتر از ۵۰ سال دارد، نمی‌تواند برای اولین‌بار تحت پوشش بیمه قرار گیرد؛ مگر آنکه قبل از این سن، بیمه شده باشد. پس باید این خلأ قانونی را مرتفع کنیم. ما تاکنون ۳۳ دوره جشنواره موسیقی فجر، ۳۶ دوره جشنواره تئاتر فجر، هفت دوره جشنواره مد و لباس و ۱۰ دوره جشنواره هنرهای تجسمی فجر را برگزار کرده‌ایم؛ ولی همچنان حتی یک دستورالعمل دوصفحه‌ای هم نداریم تا حدود و ثغور این جشنواره را بدانیم! به همین دلیل برای اینکه خلأ مقررات را برطرف کنیم، با اصحاب مختلف اهل هنر جلسه گذاشتیم، آرای آنها را جویا شدیم و حتی از طریق رسانه‌های گروهی فراخوان دادیم که هنرمندان عزیزی که در این زمینه پیشنهادی دارند، ارائه کنند. بعد از سوی گروهی این پیشنهادها را دسته‌بندی کردیم و تعدادی کارشناس روی آنها کار کردند و به آیین‌نامه تبدیل شد. برای هرکدام از این آیین‌نامه‌ها دست‌کم ۱۱، ۱۲ ساعت جلسه با حضور خود من تشکیل شد. روی همه کلمات بحث کردیم. به مدت ۱۰ روز هم روی سایت قرار دادیم که اگر هنرمندی اعتراضی دارد یا نکته‌ای به ذهنش رسید، آن را از طریق کامنت مطرح کند که تقریبا کامنتی هم نرسید؛ اما این فرصت را فراهم کردیم و جمع‌بندی نهایی را خدمت آقای دکتر صالحی، وزیر محترم، فرستادیم که اگر نکاتی داشتند، اعلام کنند. بعد گفت‌وگو کردیم و در نهایت به تصویب رسید. امروز هم ممکن است این آیین‌نامه‌ها بهترین آیین‌نامه‌ها نباشند؛ اما با بضاعت ما بهترین نسخه‌ای است که می‌تواند مبنای اجرا و گفت‌وگو باشد.

این آیین‌نامه چه زمان اجرائی می‌شود؟

قرارمان این است که جشنواره‌های هنری سال ۹۷ برمبنای همین آیین‌نامه پیش رود. ان‌شاءالله در روند اجرا نیز خلأهای اجرائی آن را شناسایی می‌کنیم. هنرمندان هم اگر نظری داشته باشند، به دیده منت می‌شنویم.

ظاهرا این معضل درباره جشنواره هنرهای تجسمی فجر بیشتر است. آیین‌نامه این جشنواره آماده شده؟

ویرایش نخست جشنواره هنرهای تجسمی فجر نزدیک دوماه‌ونیم پیش آماده شده است؛ اما متأسفانه ضعف‌های زیادی داشت که قرار شد در انجمن‌های هنری مطرح شود و به‌زودی ان‌شاءالله به آیین‌نامه جشنواره هنرهای تجسمی خواهیم رسید. حسن این آیین‌نامه‌ها این است که دیگر متکی بر سلایق فردی نیست، بلکه معیار و ملاک مطرح می‌شود که این یک بخش از شفاف‌سازی است؛ اما بخش دیگر آن، مسائل مالی است. هرساله از محل بودجه کشور، بودجه‌ای برای امور هنری تخصیص پیدا می‌کند که در نهایت نحوه کاربری آن باید به مراجع ذی‌صلاح گزارش شود که آیا در محل خودش هزینه شده یا نه. در کنار آن، قانون دسترسی آزاد به اطلاعات هم داریم که مراعات هر دو قانون، شرکت‌ها و مؤسساتی را که ذیل دستگاه دولتی هستند، موظف می‌کند که اطلاع‌رسانی کنند.

در بخش تئاتر گفته می‌شود در دوره شما مجوزهای زیادی برای تأسیس تماشاخانه‌های خصوصی صادر شده که بیشتر صاحبان آن برای اینکه به سودآوری برسند، به جای استفاده از هنرجویان و هنرمندان تئاتری از بازیگران سینما دعوت می‌کنند. همین نکته باعث تضعیف‌شدن پایه‌های تئاتر می‌شود. چرا؟

تأسیس تئاترهای خصوصی روندی است که در یک دهه گذشته به آهستگی شروع شده. تماشاخانه‌های مجوزداده‌شده هم متعلق به دولت نیستند. البته این هم دستورالعمل و مقرراتی نداشته؛ چه از نظر معماری و استانداردبودن ساختمان و چه از نظر کیفیت ارائه کار. درصورتی‌که سالن‌های سینما از نظر استانداردبودن درجه‌بندی و سطح‌بندی می‌شوند. یکی از آیین‌نامه‌های ما مربوط به مجوز تأسیس تئاترهای خصوصی است. خانواده تئاتر هم خانواده بزرگی است. مثلا در ماه گذشته در کل کشور حدود ۴۰۰ عنوان تئاتر به صحنه رفته که عدد بزرگی است و محصول گستردگی این خانواده است. فکر می‌کنم این نگاهِ از دریچه تهدید را قدری باید تعدیل کنیم. گرچه هنرمندان تئاتر محترم و صاحب مسند ویژه هستند. اما آیا روزی که هنرمندان تئاتر به سینما ورود کردند، این‌همه نگرانی از خودمان نشان دادیم؟ ممکن است تئاتر از سبد کالاهای فرهنگی خانوارهای ما خارج شده باشد. پس اگر یک چهره آشنای سینما بتواند مردم را به تئاتر دعوت کند، به‌نفع این هنر ارزشمند خواهد بود و نه به ضررش. پس بهتر است از ظرفیت‌های مختلف استفاده کنیم. امروزه خط‌بندی هنرها در جهان کمی مخدوش شده و هنرمندان می‌توانند وارد عرصه‌های یکدیگر شوند.

آیا تغییراتی در مدیریت بنیاد رودکی با فرهنگ‌سرای نیاوران اعمال خواهید کرد؟

براساس رویکرد «برنامه‌محور» برای هر کدام از نهادهای تحت نظر معاونت هنری، مأموریت قائل هستیم و هر کدام باید چشم‌اندازی داشته باشند. مثلا قرار است فرهنگ‌سرای نیاوران چه خدمت و کمکی به جامعه فرهنگی - هنری کند. هر جایی باید نقش خود را بازی کند تا یک پیکر واحد سالم به نظر برسد. در غیر این صورت دچار موازی‌کاری درون‌سیستمی می‌شویم. در بنیاد رودکی هم باید به این رویکرد کلان می‌رسیدیم. بنابراین گروهی انتخاب شدند تا بتوانند برنامه‌ها و فرایندهای بنیاد رودکی را شناسایی کنند و در نهایت به یک چشم‌انداز برسند که اساسا دو رویکرد وجود دارد؛ یکی رویکرد تالارمحوری است. یعنی مؤسسه بزرگی داریم که تالارهای وحدت، رودکی، فردوسی و برج آزادی را دارد، زیر نظر آن است و باید «تالارداری» کند. رویکرد دیگر این است که از ظرفیت‌های «بنیاد رودکی» استفاده کنیم. یعنی علاوه بر«تالارداری» خدمات و کارهای بزرگ‌تری انجام دهد و مأموریت بلندمدت و مؤثرتری را ایفا کند. پس باید بین کف و سقف به میانه‌ای برسیم و اینکه چقدر عملیاتی است که این فرایند طبق پیش‌بینی ما کمی طول می‌کشید. در ابتدا پیش‌بینی ما این بود که تا نیمه خرداد به نسخه نهایی آن برنامه می‌رسیم. اما آن برنامه حدودا ۲۵ روز پیش به فرجام رسید. حالا براساس آن برنامه تیم مدیریتی انتخاب می‌شوند.

یکی از انتقادات به نحوه مدیریت بنیاد رودکی مربوط به جام جهانی ۲۰۱۸ می‌شد. عده‌ای خبرنگار موسیقی به روسیه اعزام شدند. موسیقی آقای سالار عقیلی هم هزینه‌بر شد و ظاهرا خروجی چندانی نداشت. درحالی‌که انتشار کلیپ جام جهانی جناب‌خان در فضای مجازی با استقبال زیادی مواجه شد. اصل داستان چه بود؟

فدراسیون فوتبال علاقه‌مند بود برای اعزام تیم ملی فوتبال ایران به مسابقات جام جهانی کاری کند. طبعا وقتی با بهترین فرزندان ایران در ورزش فوتبال به جام جهانی می‌رویم، باید کاری درخور انجام داد.

ادامه در صفحه ۱۵

جارچی

نگاهی به نمایش «گزارش وضع هوا»

تجسم‌بخشی ملال‌ها

● این نمایش که در سالن قشقایی تئاتر شهر روی صحنه رفت، به گمانم دلالتی بدیعی بود که سودای بازنمایی روزمره‌ترین مسائل انسانی جهان ما را داشت. شاید دغدغه‌های آن در نگاه نخست بسیار شخصی به نظر برسند، اما در میان افرادِ بسیاری مشترکند. پیش از هرچیز «گزارش...» را باید ذیل عنوان تئاتر حرکت یا رقص جای دهم و همچنین اظهار دارم که مایلم با روشی گذشته‌نگرانه اشاره‌ای کنم به بحثی نظری در تمایز میان تئاتر و غیرتئاتر: در بوطیقا، ارسطو با رویکردی به‌زعم خود بنیان‌شکنانه تراژدی را نه بازنمایی مردمان، بلکه بازنمایی کردار مردمان می‌داند. این کردار اموری کلی‌اند؛ همان‌ها که کنه رفتار آدمیانند و مردمان به آنها دچار می‌آیند؛ همچون هراس، خشم، سعادتمندی و... . تئاتر آوانگارد، اگرچه در شاکله کلی‌اش، از این شالوده کالبد تهی می‌کند، اما به‌نوبه خود همچنان این مؤلفه باستانی را پی می‌گیرد. «گزارش...» نیز به همین سیاق درپی صورت‌بندی دیگرگونه‌ای از زمینه دلالت‌بخشی است. این دلالت‌بخشی نه مفهوم‌پردازانه و نه مبتنی‌بر تشخص‌های نقش‌ها، بلکه در سامانی بسیار هم‌بافته و در یک ساختمان تمام‌وکمال، مفاهیم خود را تجسم می‌بخشد و در ادامه می‌کوشد نقطه ثقل دلالت و معنا را با همین چرخش اساسی دیگرگون کند. پس با یک بیانگری تمام‌وکمال آغاز می‌کند. نخستین صحنه که پرهیاهوترین صحنه نیز بود، تأثیری تکان‌دهنده بر من گذاشت. بازیگران بی‌اِبا و گویی بداهه‌پردازانه، درونی‌ترین تأثراتشان را در زمینه‌ای عینی‌تر؛ یعنی به‌مدد نشانگان بیرونی که در بدن‌هایشان و تحرکاتشان بروز می‌یابد ابراز می‌کردند؛ چنان‌که از اجرای حرکت‌محورِ یک رقص توقع می‌رود. با وجود این‌همه شلوغی و بیانگری‌هایی که گویی بی‌محدودیت آزاد می‌شوند و در صحنه نمایش می‌پراکنند و از پذیرش سامان استاندارد اجرائی تئاتر جا می‌زنند، نمایش مانند یک کلِ سامانمند که در تکاپو و بی‌قراری بی‌وقفه افتاده، ساختار کلی‌اش را

حفظ می‌کند. بازیگران توانمند این اجرا گویی از جان گذشته‌اند و نیرویی تمام‌ناشدنی به جلو می‌رانندشان. آنها در اجرا، به‌راستی به همان اندازه‌ای خشن‌اند که خشونت در زندگی روزمره‌مان موج می‌زند. آنها می‌کوشند سرراست‌ترین و ناگهانی‌ترین تأثرهای بشری را تجسم بخشند، اما نه به سیاق بوطیقای باستانی، بلکه این‌بار مانند تصاویری گذرا و بسیار لحظه‌ای که در چرخه‌ای مدام و بی‌وقفه می‌گردد. گفتن ندارد که این حجم از بیانگری که «کردار مردمان» - این‌بار مردمانی مانند ما- را بازمی‌نماید، هراسی را به جان تماشاچی می‌اندازد که مجابش می‌کند تئاتر را خیره بنگرد؛ زیرا مگر کردارها همواره در خودمان بازیافتنی نیستند؟ اما این بازیافتن، این‌بار نه برای تزکیه نفوسمان، بلکه در مواجهه‌ای شکننده با جهانی بی‌تعارف است که سامان دلالتی جهان ما را به‌مدد تجسم‌بخشی در صورتی دیگر و نامتعارف با صورت همیشگی و مأنوس برمی‌سازد. این صورت دلالت‌بخش جدید ما را به بازنگری در بنیان جهانمان وامی‌دارد؛ به‌عبارت دقیق‌تر جهان برساخته ما را؛ یعنی آن‌گونه که جهان را معنی می‌کنیم، یکسره وارونه می‌کند. تئاتر چنین امکانی را در ید خود دارد. اگرچه این نمایش مملو از تک‌گویی‌هایی کوتاه است و دوستی که مرا در تماشای تئاتر همراهی کرد به طعنه گفت: «نمایش در ایران گویی تشنه تک‌گویی است تا خودش را معنا ببخشد»؛ من معتقدم تک‌گویی‌ها به‌وضوح به معانی مأنوس راه نمی‌برند، بلکه معانی‌ای سرگشته‌اند؛ یعنی شبیه به همان کلماتی که در زبان پوزو می‌چرخد. نمی‌شد گفت بی‌معنا هستند، بلکه گویی معنا به تعلیق درمی‌آید. به‌همین‌خاطر این سرگشتگی کلمات خود بخشی از سامان تجسم‌بخشی و گونه‌ای از بنیان‌گذاشتن نشانگان صحنه‌اند که اگرچه در اصل خود وامدار بکت هستند، راهی پیش‌برنده را در منطق کلی اثر هموار کرده‌اند. در پایان، نمایش، به‌شکل هوشمندانه‌ای خودآیینی دلالتی‌اش را به‌نحوی درون‌ماندگار تبیین می‌کند. یکی از بازیگرها شروع می‌کند به تعریف‌کردن اشک و تعریفی علمی و مربوط به شیمی از آن به‌دست می‌دهد. این تعریف شامل واژه‌هایی است که می‌توانند تأثرات عمیقی را در انسان برانگیزانند؛ مفاهیمی مانند غم و اندوه - که همان کردارها و کلی‌ها نیز هستند- و بازیگران این مفاهیم را با حرکت و با زبان بدن‌هایشان تجسم می‌بخشند. در این لحظه، تجسم‌بخشی‌ها یا به‌عبارت‌دیگر دلالت‌های تازه، بسیار آسان‌تر دریافته می‌شوند و این بزنگاه فرصتی را فراهم می‌آورد تا تماشاچی نگاهی بازنگرانه به سرتاسر نمایش بیندازد. درآخر باید بگویم سرراستی و صراحتی که در این اجرا بود که گویی می‌خواست زندگی را به همان اندازه که احمقانه است، بارهاوبارها هولناک‌تر نشان دهد: «من این را دوست دارم!»، «خفه‌شو!» و...؛ این جمله‌های مأنوس این‌بار طنینی ویرانگرتر و اثری بُرنده‌تر داشتند و نمایش با قساوت تمام به کردارهایی که به آنها خو گرفته‌ایم، می‌تاخت.

نوبت دوم

مناقصه شماره ۱۳-۹۷

فراخوان جهت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای «وصول بخشی ازمطالبات شرکت آب منطقه‌ای البرز»

شرکت آب منطقه‌ای البرز در نظر دارد فراخوان جهت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای " وصول بخشی ازمطالبات شرکت آب منطقه‌ای البرز "از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید کلیه مراحل برگزاری فراخوان شامل دریافت وتحویل اسناد مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی،مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.تاریخ انتشار فراخوان در سامانه تاریخ ۹۷/۰۶/۰۶می باشد.اطلاعات و اسناد مناقصه از طریق سامانه قابل دریافت می باشد.

مهلت دریافت اسناد: تا ساعت ۱۹مورخ ۹۷/۰۶/۱۰

مهلت ارسال پاسخ: تا ساعت ۱۹ مورخ ۹۷/۰۶/۲۰

زمان بازگشایی پاکات: ساعت ۱۰صبح مورخ ۹۷/۰۶/۲۱

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گذار: کرج- مهرشهر-بلوار امام خمینی(ره)-روبروی مصلی-خیابان بوستان- شرکت سهامی آب منطقه ای البرز- کد پستی ۳۱۸۶۷۱۷۵۹۸-تلفن۳۲۰-۳۱۰- ۰۲۶۳۳۳۳۲۳۰۰

اطلاعات تماس سامانه جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:مرکز تماس ۲۷۳۱۳۱۳۱، ۰۲۱ دفتر ثبت نام:۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸ -۰۲۱

شرکت آب منطقه ای استان البرز